

راهبردهای جذب جوانان و نوجوانان به نماز

چکیده

موضوع پژوهش پیش رو راهبردهای جذب جوانان و نوجوان به نماز می باشد.

چرا که جوانان به عنوان سرمايه های عظیم یک جامعه و آینده سازان نظام می باشند و یک جامعه برای رسیدن به اهداف خویش، باید جوانانی سالم داشته باشد.

پژوهش حاضر سعی دارد تا با تبیین و شناخت راه های مهم تربیت سالم، جوانان را با آموزه های دینی آشنا نماید. چرا که زندگی بدون ایمان و دین رنج آور است؛ البته انسان به طور فطری دین گرا است، ولی این امر در اثر برخی عوامل کمنگ یا فراموش می شود و در این میان، آشنایی جوانان با دین اهمیت و ضرورت دارد.

منابع مورد استفاده در این مقاله، بیشتر کتاب ها و مقالات ارزشمندی است تا با تقدیم آن به جامعه قدم کوچکی در زمینه‌ی جوان و نماز برداشته شده باشد. دامنه‌ی این تحقیق بیشتر به زمینه‌های تربیتی در گرایش جوانان به نماز محدود می شود و از اشاره به مطالب روانشناسی خودداری ورزیده ایم.

وازگان کلیدی: جوان و نوجوان، الگوهای عملی، روش های جذب و تربیت.

طرح بحث

دین اسلام تأکید فراوانی بر نماز دارد و نماز از ارکان دین اسلام شناخته می‌شود؛ و از طرف دیگر، اسلام تأکید می‌کند که بر نسل جوان با نظر خوش بینی و عطوفت نگاه کنید و جایگاه جوان را در اجتماع بشناسیم. این مسأله را می‌توان از زوایا و ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد. این پژوهش سعی شده است تا با بهره‌گیری از قرآن و کتب اخلاقی – روانشناسی گرفته شده است. پیشینه این موضوع، یعنی ارتباط نماز و جوان، به زمان پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) و صدر اسلام باز می‌گردد؛ که پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) در موقعیت‌های گوناگون و در عمل به این مسأله مبادرت ورزیده اند و قرآن و سیره اهل بیت(علیهم السلام) نیز شاهد توجه به مسأله جوان و نماز هست.

اهمیت دوران نوجوانی و جوانی

نوجوان کیست؟ نوجوان کسی است که دوران کودکی را پشت سر گذاشته و اکنون در آستانه بلوغ است؛ جسم و روان او به زودی بزرگترین تحولات فیزیولوژیکی و بیولوژیکی عمر یک انسان را به نظاره خواهد نشست. دوره بلوغ در طول زندگی انسان اهمیت اساسی دارد؛ زیرا همزمان با تحولات زیست‌شناسی، از لحاظ جامعه شناسی و روانشناسی نیز تحولات چشمگیری رخ می‌دهد. رشد سریع و همه جانبه بدن، استخوان بندی محکم و اعصاب پولادین، برای فرد بسیار بالنده و غرور آفرین است. زمانی که نوجوان احساس می‌کند بر اثر بیداری شوق‌ها و شورها و عشق‌ها، نگرش او به خود، به اطرافیان و به طبیعت و جهان آفرینش دچار تحول و دگرگونی شده، پی‌می‌برد دنیای کودکی و وابستگی را پشت سر گذاشته و به عنوان یک انسان مستقل، پویا و سربلند، فصل جدید را در زندگی تجربه می‌نماید.(سعید تهرانی، فروغ نیایش، ص ۱۵)

قرآن کریم دوران زندگی را به سه دوره تقسیم نموده است: می فرماید: سه مرحله زندگی انسان کودکی، جوانی و پیری است. «جوانی جایگاه قدرت و نیرومندی ایام زندگی است و از دو طرف به

ناتوانی وصل می گردد. خداوند آنچه را اراده می فرماید، خلق می نماید و اراده اش بر اساس علم و قدرت است.» (رم، آیه ۴۵)

صاحب نظران علوم روانشناسی اعتقاد دارند، هم‌زمان با بلوغ و بروز تغییرات جسمی، چهار نوع تمایلات عالی در انسان بروز می نماید. ۱- حقیقت جویی ۲- زیبا پرستی ۳- خیر دوستی یا عاطفه ۴- حسن دینی یا خدا جویی.

جوان، جویای حقیقت است و از تحصیل علم و دسترسی به حقایق جهان آفرینش لذت می برد. جوان زیبایی را دوست دارد؛ طراوت و شادابی دوره جوانی، یکی از مظاهر زیبایی است و این میل به طور طبیعی و بالقوه در هر فردی وجود دارد و قابل پرورش می باشد. (تهرانی، فروغ نیایش، ص ۱۶)

اسلام ضمن تأیید همه تمایلات فطری بشر و تأکید بر پرورش آنها، گرایش جمال دوستی انسان را مرتبط با گرایش به جمال مطلق دانسته و استفاده از زیبایی های جهان آفرینش را توصیه و تأکید می نماید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ما در آسمان اجرام بزرگ کیهانی آفریده ایم و برای بهجهت و سرور بینندگان، آنها را با زیبایی و درخشندگی آراسته ایم. (حجر، آیه ۱۶)

بر هیچ اهل عملی پوشیده نیست که در شکل گیری شخصیت هر فرد، مقطع جوانی از جایگاه خاص و اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ شاید بتوان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین آغاز و به هر نحوی که شکل گیرد، غالباً به همان صورت قوام یافته و تثبیت می گردد و به همین دلیل، در روایات بر اهمیت و برتری این مقطع سنی تأکیدات زیادی رفته و نیز روانشناسان، این دوره را حیات مجدد انسان نامیده اند. (خلیلی، نقش نماز در شخصیت جوانان، ص ۲۰)

صاحب شریعت اسلام، حضرت خیر الانام که از سرچشمه وحی الهام می گرفت، در تکریم و احترام به جوانان فرمودند: «فضل الشاب العابد الذى فى صباح على الشیخ الذى يعبد بعد ما كبرت

سنّه كفضل المرسلين على سائر الناس» يعني فضيلت و برتری جوان عابد که از آغاز جوانی خدا را عبادت کند، بر پیری که وقت پیری مشغول عبادت گردد، چون فضيلت پيغمبران است بر سایر مردم. (پاينده، نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۵۰) و در جای دیگر با اشاره به ارزش جوانی می فرماید: «اعتنم شبابک قبل هر مک» يعني «جوانی تان را قبل از فرا رسیدن پیری غنیمت و قدر بدانید.» (همان، حدیث ۳۷۲) و خطاب به والدین و مریبان در برخورد با جوانان و نوجوانان می فرمایند: «او حسیک بالشان خیراً فانهم ارقُ افده ان الله بعثني بشيراً و نذيرأ مخالفتي الشبان و خالقتي الشيوخ ثمَّ قرأ فطال عليهم الْأَمْد فقتلت قلوبُهُم» يعني، «به شماها دریاه نو بالغان و جوانان به نیکی سفارش می کنم که آنها دلی رقیق تر و قلبی فضيلت پذیر تر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش برتسانم؛ جوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند. سپس به آیه ای از قرآن اشاره کرد و درباره ای مردم کهن سال و پیر که مدت زندگی آنان به درازا کشیده و دچار قساوت قلب شده اند، سخن گفت.» (قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶)

همه این سخنان گهر بار که در خطاب به مسلمانان تأکید داشتند، علاوه بر سیره عملی و برخورد بزرگوارانه و محترمانه ای که با جوانان داشته اند، حاکی از حساسیت دوران جوانی است.

بنابراین از منظر علم و دین، در تمام عمر و طول حیات انسانی، هیچ برهه ای مهم تر از دوره نوجوانی و جوانی نیست. (خلیلی، نقش نماز در شخصیت جوانان، ص ۲۲)

ویژگی های دوران جوانی

از آن جا که دوره ای جوانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، برای آن که بتوانیم بهتر به این امر خطیر بپردازیم باید در ابتدا به خصوصیات این دوران واقف گردیم. بعضی از خصوصیات این

دوران عبارتند از:



۱. انعطاف پذیری روحیه‌ی جوانان

نسل جوان تنها قشر منحصر به فردی است که بیشترین روحیه تأثیر پذیری را دارد. شفافیت روحیه‌ی جوانان و حساسیت ایشان، عامل اصلی توجه دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار و بنگاه‌های فرهنگی غرب برای سوق دادن آنان به انحرافات اخلاقی و اهداف پلید خویش در طول تاریخ بوده است.

تشبیه نوجوان و جوان به نهال نورس در کلمات معصومین (علیهم السلام)، حاکی از همین مطلب است؛ که او را می‌توان به هر جهتی هدایت نمود؛ بر خلاف درخت تنومندی که کسی قادر به جهت دهی او نیست، مگر با بریدن تنه آن درخت. پس صرفاً به کار گرفتن احساسات جوانان و تشویق و تحریص آنان از قدرت احساسی و عاطفی، مقصود شارع مقدس نیست؛ بلکه سوق دادن آن در قلمرو دین و عقلانی نمودن اهداف عالیه انسانی، همه همت رهبران دینی می‌باشد و ادعای ما این است که همه تعالیم دین و احکام الهی خصوصاً نماز، در همین راستا بر مسلمین فرض و واجب شده است. (همان، ص ۲۳)

۲. طراوت و شادابی

جمال طبیعی و طراوت ایام جوانی انسان، یکی از سرمایه‌های ارزشمند نسل جوان است فرّ و شکوه جوانی، به منزله زینت گرانبها و پر فروغی است که به انسان زیبایی می‌بخشد و او را نزد دیگران عزیز و محبوب می‌گرداند. طراوت و شادابی دوره جوانی، یکی از مظاهر مهم جمال طبیعی و از امتیازات اختصاصی نسل جوان است. میل به جمال دوستی همزمان با میل زیبا پرستی در انسان شکوفا می‌گردد و حاصل آن تمایل به هر چیز زیباست؛ انسان در سایه غریزه دوست دارد همسر زیبا، مرکب زیبا، لباس زیبا، و خلاصه همه چیز زیبا داشته باشد و حاضر است در حد امکانات مالی خود، زندگی را به هر نحو که زیبا می‌بیند، آراسته گرداند. این تحولات جسمی و

روانی، برای تشکیل خانواده و آغاز زندگی مشترک، یکی از الطاف بزرگ الهی نسبت به بشر است.

(تهرانی، فروغ نیایش، ص ۳۰)

عوامل موثر در رشد گرایش‌های مذهبی نوجوانان

کودک فطرتاً پاک و خداجوی است؛ محیط مناسب می‌تواند این فطرت توحیدی را بارور و شکوفا سازد؛ در حالی که محیط نامناسب سدی در برابر رشد و تعالی او خواهد بود و یا موجب رشد معیوب منحرف یا یک بعدی او خواهد شد. گرایشهای مذهبی در کودکان و نوجوانان با توجه به نقش خانواده است؛ خانواده مهم‌ترین نقش را در تربیت کودکان دارد، زیرا کودک در خانواده چشم به جهان باز می‌کند و اولین تجربه‌های زندگی او در خانواده. در روابط والدین و فرزندان شکل می‌گیرد. پدر و مادر اولین الگوهای فرزندان خود هستند و بسیاری از افراد ممکن است تا پایان عمر نسبت به آنچه که در خانواده آموخته‌اند، وفادار بمانند.

بزرگترین هدیه‌ای که والدین و مربيان می‌توانند به کودکان خود بدهنند، این است که آنان را از ابتدا متکی به خدا و سپس متکی به خود بار بیاورند. بنابراین هر پدر و مادر دلسوزی باید تلاش کند ارزش‌های اصیل مذهبی را به تدریج و با توجه به رشد کودک و با استفاده از روش‌های مناسب تقویت کند و همزمان بکوشید اعتماد به نفس فرزند خود را نیز آرام آرام افزایش دهد و فرزندانی متکی به نفس خداخواه و خداجوی بار بیاورد. چنین کودکانی قطعاً در زندگی خود افرادی موفق و بهترین سرمایه زندگی برای والدین خود خواهند بود. (همان، ص ۱۹۵)

۱. خانواده

کانون خانواده، اولین و بهترین مدرسه‌ای است که نسل‌های جوامع بشری، از آغاز رشد می‌یابند؛ بنابراین اگر والدین یا مربيان خانواده، افراد مدیر و با مسئولیتی باشند، قطعاً کانون خانواده محیط سالمی برای تعالی انسان غیر مسئول و بی قید و شرطی باشد، قطعاً افرادی که از آن خانه وارد



اجتماع می شوند، انسان های مفیدی برای اجتماع نخواهند بود؛ و به همین خاطر، دین مسئولیت سنگین و خطیری بر عهده خانواده گذاشته و ادب و تربیت فرزند را به عنوان بهترین عمل صالح، وارثی ماندگار یاد کرده است. (خلیلی، نقش نماز در شخصیت جوانان، ص ۶۳)

در نصوص و روایات که از ائمه مucchومین(علیهم السلام) و رسول گرامی اسلام(صلی الله و علیه و آله) به ما رسیده، بخش عمدہ ای از آن را احادیث اخلاقی و تربیتی تشکیل می دهد که در اینجا به مناسبت موضوع به چند حدیث اشاره می شود:

علی(علیه السلام) در نامه ای خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی(علیه السلام) می فرمایند: «فبادرُك بالأدب ان يقسو قلبك و يشتغلُك» یعنی «فرزند عزیز، در راه ادب آموزی تو از فرصت استفاده کردم و قبل از آنکه دل کودکانه ات سخت شود و غفلت به اندیشه های دیگری مشغول گردد، به تربیت تو مبادرت نمودم و وظیفه پدری خود را انجام دادم.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۳)

و نیز از امام صادق(علیه السلام) در روایتی چنین آمده است که فرمودند: «انَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْأَدْبَاءُ لِبَنَائِهِمُ الْأَدْبُ لَا الْمَالُ» (کلینی، الروضه من الكافی، ج ۸، ص ۱۵۰)، «بهترین ارثی که پدران برای فرزندان خود باقی می گذارند، ادب و تربیت صحیح است نه ثروت و مال.» همه احتمام امامان مucchوم(علیهم السلام) بر این امر مبتنی است که پدر و مادر در خانواده، افراد با مسئولیت بار آورند تا حدی که بی مبالغی و کم توجهی والدین را نسبت به امور فرزندان و اعضای خانواده از گناهان و معاصی کبیره به شمار آورده اند.

این است نقش تربیتی خانواده که تأثیر ویژه ای دارد، ولیکن از این نکته نباید غافل بود که برخی از جوانان با تحصیل علم بر حسی از تأمل و دور اندیشی می رساند که به واسطه مشورت با مشاوران و مریبان متدين و دلسوز و یا دوستان آگاه و متعهد، رفتار و آداب خانوادگی خویش را

اصلاح نموده و به سمت کمال و سعادت انسانی خویش، گامهای بلندی را بر می دارند و در حقیقت خود را از یتیمی به بلوغ می رسانند و این گروه از جوانان جزء کسانی هستند که پدر و مادر، مورد عاق آنان واقع می شوند.(خلیلی، نقش نماز در شخصیت جوانان، ص ۶۶)

۲. آموزش تعالیم دینی

اینکه در انسان تمایلات و گرایشها بوجود دارد که او را متوجه به اهدافی می سازد و می خواهد به دست یابی با آن اهداف خود را تسکین و اطمینان ببخشد، نشانه آن است که باید چنین ملجای وجود داشته باشد، چون اقتضای حکمت بالعزم این است که هیچ نیازی را بدون پاسخ نگذارد. تردیدی نیست که روح و حقیقت تعالیم دین به نیازهای روحی و گرایشات غریزی و فطری او برگشت می کند؛ و با جزم و یقین می توان گفت که هیچ یک از دستورات دین، بی ارتباط با تکامل انسانی او نیست. در جان و جوهر پاسخ اسلامی به دنیای متجدد، در جهات دینی و معنوی و فکری زندگی بشر نهفته است؛ همین جهات است که کردار بشر و نحوه تلقی او را از جهان پیرامون رقم می زند.(همان، ص ۲۷)

مهمن ترین پاسخ یک جوان مسلمان و مهم ترین گامی که باید او پیش از هر چیز بردارد این است که قوت ایمان خود را حفظ کند و اعتمادش را به صدق و اعتبار وحی اسلامی از دست ندهد. دنیای متجدد به تدریج تباہ شده است و در صدد است، همه آنچه را که مقدس و طبعاً دینی است، از بین ببرد؛ و به خصوص با اسلام به عنوان دینی که از نگرش قدسی نسبت به زندگی و قانون الهی در برگیرنده همه افعال و اعمال بشر عدول نکرده است، مخالفت دارد. اکثر مستشرقان غربی، حدود دو قرن به اسلام می تاخته اند و سعی داشته اند به مسلمین یاد دهند که دین خود را چگونه بفهمند. (نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ص ۳۵۲)

در متن و منبع همین دین، به مسلمانان تعليم داده می شود که قرآن شفای همه امراض قلبی



انسان هاست: «قد جاءتكم موعظه من ربكم و شفاء لما في الصدور» يعني «اندرزی از سوی پروردگارتن برای شما آمد و درمان آنچه که در سینه هاست». (يونس، آیه ۵۷)

تنها ملجم و پناهگاه واقعی اتصال قلوب به عالم لاهوت و سپردن دل به دست صاحبدل و توجه کامل به خالق قادر است تا اینکه خود را بدان وابسته ببیند و از غیر او دل برکند و پاسخ اصلی و برآوردن همه نیازها و فقر خود را در بی نیازی و غنای او یابد و هدایت خویش را در عمل به دستورات و تعالیم او بداند و تعديل شخصیت و تکمیل انسانیت خود را در انس و آشنایی با تعالیم قرآن و دستورات اسلام جست و جو نماید.

۳. سیره معصومان (علیهم السلام)

ما می دانیم گوشت و پوست مردم ما به ویژه جوانان، با عشق و محبت به اهل بیت (علیه السلام) آمیخته است. از سوی دیگر معارف اهل بیت (علیه السلام) به گونه ای غنی است که اگر دقیق و صحیح معرفی شود، جوانان به دین بیشتر توجه می کنند. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «اگر مردم زیبایی های کام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۵۱)

شخص به نام ختمه می گوید: «به امام باقر (علیه السلام) وارد شدم، حضرت فرمود ای خیشم، شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند؛ اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افروده می شود.» (همان، ج ۷۸، ص ۳۴۸)

امام رضا (علیه السلام) نیز فرمود: «تقوا و ورع را مراعات کنید، امانت دار و راستگو باشید، نسبت به همسایه ها خوش رفتار باشید؛ اینها چیزهایی است که محمد (صلی الله و علیه و آله) بدان ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برقا کنید، به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید؛ در تشییع جنازه ها شرکت کنید. زینت ما باشید و باعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش

چشم مردم بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم نسبت به ما بدین شوند.» (محله پیوند، ش ۲۴۳)

علی رغم اینکه جوانان زمینه گرایش به امور مذهبی و دین را دارند، لکن روح جست و جوگری نیز دارند. از این رو مطالبی را بهتر قبول می کنند که کاربردی و توأم با استدلال باشد. بدین منظور که مسائل دینی در کنار مسائل علمی و به صورت تطبیقی بیان شود؛ از این رو لازم است تا آنجا که امکان دارد فلسفه و حکمت احکام و تعالیم دینی تبیین شود، تا جوان ضمن قبول آموزه های دینی، با آگاهی بینش بصیرت و با انگیزه قوی تر به تعالیم دین روی آورند.

پیامبران الهی همه یک پیام برای بشر داشتند و آن سعادتمندی در سایه اطاعت اوامر الهی بوده است. پیامبران به مردم می گفتند، هدف از خلقت انسان خور و خواب و خشم و شهوت نیست؛ حیوانات در این زمینه ها، بسیار از انسان نیرومند تر و پیشستاز ترند. انسان نماینده خدا در زمین است و رنگ و بوی خدایی دارد؛ نشانی از جمال و جلال الهی در اوست. همه نوادری های او ریشه در سنتیت روح او با خدای سبحان دارد. لذا تلاش خستگی ناپذیر در جهت تسخیر کائنات دارد و ناخود آگاه می رود تا کار خدایی انجام دهد؛ (انشقاق، آیه ۶) و راه دستیابی به این اهداف بلند، ارتباط با عالم ملکوت است.

عالی که سرچشمه حیات و مخزن همه خیرات و سعادتمندی هاست. عالمی که طبیعت و حیات مادی ما در پرتویی از اصالت اوست. آنجا منبع و منشاً فیض الهی است. روزها همه از آنجا تقدير و هدایت می شود. (اعلی، آیه ۲)

ارتباط با عالم ملکوت یعنی مهار غرایز و ترک هوا و هوس؛ ارتباط با عالم ملکوت یعنی تسمیم فرمان حق شدن و دوری از گناه؛ و در یک کلمه ارتباط با خدا یعنی نیایش؛ و بهترین آن برپا داشتن نماز است.

آری انسان هایی که زنگار از دل خویش زدوده اند و جانشان قابلیت ارتباط با عالم ملکوت را پیدا



کرده است، به کلید رمز دست یافته اند؛ و همچون یک متخصص علم رایانه که برای دستیابی و بهره برداری از دانش عظیم نرم افزاری، کلید رمز را در اختیار او قرار داده باشند. انسانی که به این سطح از خودسازی رسید، اگر چه می تواند دنیای خود را آباد کند، اما برای او جاذبه های مهم تری وجود دارد.

آنچه را که دیگران سعادت تلقی می کنند و برای آن سر و دست می شکنند، او نسبت به آنها بی اعتنا است. او افقی را مشاهده می کند که با افق طبیعت متفاوت است. بزرگترین سعادت را در اطاعت و عبادت حق می بیند و این رتبه و منزلت را با هیچ چیز مصالحه نمی کند.

خداآوند کریم در مقابل این بندگان خالص و وارسته می فرماید: «این بهشت با همه نعمات و عظمتمند، در حقیقت پاداش شماست و سعی و تلاش شما مشکور و مقبول درگاه الهی می باشد.»

(دهر، آیه ۲۲)

اهداف تربیتی نماز و نگرش نوجوانان به منش نمازگزاران

حقیقت این است که هدف از آفرینش انسان، عبادت خالق منان است: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ» . (ذاريات، آیه ۵۶) و عبادت برخورداری از نیت و اندیشه خالصانه و موخدانه و حرکت هدفمند و مستمر در راه خدا و به سوی خدا می باشد. هدف از عبادت نیز تربیت و رشد و کمال انسان است و هدف غایی در تربیت انسان که همه پیامبران الهی به آن مبعوث شده اند، رسیدن به فلاح است و بس؛ به فلاح رسیدن یعنی به کمال مطلوب توانایی ها و قابلیت های وجود و جوهره انسانی دست یافتن.

ویژگی های خلقتی و فطری انسان به گونه ای است که قابلیت جانشینی خدا را در زمین دارد و می تواند تمامی توانایی ها و استعدادهای خود را در محیطی به وسعت تمامی جهان هستی شکوفا کند.

روش یا روش‌های تربیتی که بتواند انسان را به فلاخ برساند، می‌بایست متناسب با ویژگی‌های شخصی و شخصیتی و در عین حال پاسخگوی همه نیازهای فطری انسان در سطوح مختلف باشد؛ چرا که انسان فطرتاً موجودی است خداجو و خالق و کنجدکاوی و جست و جوگری که از ویژگی‌های فطری-شناختی انسان است؛ خمیر مایه خلاقیت و آفرینندگی است و نیازمند هدایت. نماز کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان است. به فرموده امام راحل(ره): «در جمیع عبادات خصوصاً نماز که سمت جامعیت دارد و منزله آن در عبادات منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است.» (آداب الصلوٰه، امام خمینی(ره)، ص ۹۰)

انسان زمانی می‌تواند به فلاخ برسد که با غلبه بر کنشهای نفسانی و قربانی کردن هوسهای بریدن از همه وابستگیها، خروج از ایستگاه‌های فکری و روانی و ترک خودبینی، با علم و ایمان و اطمینان و تسليم وجود به درگاه حق در سکوی نماز خدا گوید و خدا جوید.

ترددیدی نیست که نماز انسان را از همه بدی‌ها و آسیب‌ها باز می‌دارد و نمازگزار را آمر به معروف و ناهی از منکر می‌کند؛ «... إِنَّ الصَّلَاةَ تَتَهَىَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...». (عنکبوت، آیه ۴۵)

اما نمازی این نقش اساسی و متعالی را دارد و نمازگزاری می‌تواند از چنین جایگاه والایی برخوردار باشد که جلوه‌هایی از وجه معنوی نماز در روی متجلى گردد.

راه کارهای جذب جوانان به نماز

بی‌ترددید برای جذب جوانان به نماز هم موانع مختلف و هم راه کارهای مختلفی متصور است که این موانع و همچنین راه کارها می‌توانند جنبه‌های فردی، خانوادگی و محیطی داشته باشند، در این بخش آن قسمت از مواردی که بیشتر جنبه علمی و کاربردی دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. ابتدا لازم می‌آید که برای دستیابی به هر مقصودی اهداف آن مشخص گردد، که شایان ذکر هست جذب جوانان به این فریضه الهی نیز دارای اهداف تربیتی می‌باشد به اختصار به آن



پرداخته می شود، و در ادامه به راکارها جذب نیز پرداخته می شود.

۱. تربیت دینی جوانان در جذب به نماز

از برجسته ترین ویژگی های فطری کودکان و نوجوانان در بعد شناختی کنجدکاوی است و این کنجدکاوی و رفتار جست و جو گرانه و کاشفانه، بستر خدا جویی و خمیر مایه خلاقیت و خودشکوفایی است. بر همین اساس در میان آن دسته از کودکان و نوجوانان خلاق و نوآوری که از قدرت کنجدکاوی فوق العاده ای برخوردارند، احساس مذهبی کمال جویی، معاد اندیشی و نگرش جاودانگی بیش از دیگران مشهود است.

از سوی دیگر با یک نگاه کلی به مبانی و دستور العمل های مذهبی، به سادگی در می یابیم که مجموعه آداب و تربیت ها و بایدها و نبایدهای دینی که پیامبران الهی به ویژه حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) برای ابلاغ آنها مبعوث شده اند، همگی منطبق بر ویژگی های فطری حاکم بر نفسانیت و نیازهای اساسی انسان موجود بوده و زمینه ساز رشد و تعالی انسان مطلوب است. به عنوان مثال در مکتب تربیتی اسلام، همه آنچه به گونه ای مستقیم و غیر مستقیم به رشد جسمانی، ذهنی و شناختی، روانی و اجتماعی انسان آسیب می رساند، حرام یا مکروه است؛ و همه آنچه به عنوان عوامل موثر در رشد زیستی و شناختی و روانی و اجتماعی انسان محسوب می گردد، حلال و مستحب می باشد: «... وَ لَدُنْنَا كِتَابٌ يُنْظَرُ بِالْحَقِّ...» (مومنون، آیه ۶۲)

به سخن دیگر در صورت اذعان به این حقیقت که انسان فطرتاً موجودی است خدا جو و برنامه ها و دستورهای دینی نیز جملگی بر اساس نیازهای فطری، سلامت جسم، بهداشت فردی و اجتماعی و رشد و تعالی شخصیت انسان، استوار می باشد. می بایست فرآیند تربیت دینی به معنای دقیق کلمه به طبیعی ترین وجه در دوران مختلف رشد صورت پذیرد و به آسانی شاهد تبلور رفتارهای مذهبی در نوجوانان باشیم.

۲. تشویق عملی

در بعضی اوقات دیده می شود که در مدرسه، دانش آموزان را به نماز دعوت می کنند و دانش آموزان هنگام عبور از کنار دفتر احتمالاً برخی معلمان خویش را فارغ از موضوع نماز به گفتگو و... می یابند. در خانه همین داستان است؛ دانش آموز از خود می پرسد: اگر نماز خوب است و جماعت خوب تر، چرا معلم یا دیگر من که خودش نیز این موضوع را در کلاس گفته است، در آن شرکت نمی کند؟ چرا فضیلت نماز اول وقت فقط برای دانش آموز است نه پدر و مادر و معلم؟ در هر مدرسه معман و در محیط خانواده نیز پدر و مادر نه تنها باید تشویق کننده، بلکه خود باید الگو باشند؛ مسأله مهم دیگر این است که ما همواره به کودک و نوجوان می گوییم نماز بازدارنده انسان از زشتی و فحشاء و گناه است و او در زندگی خویش برخی نمازگزاران گناهکار را می بیند. رفتار بد و ناروای پدر و مادر، معلم، مدیر و مسئولان جامعه و... را می بیند و در وقت نمازشان را می بیند که چه بسا از تأثی و خضوع ظاهری بی بهره نیست. (امیری پور، دایرہ المعارف مختصر نماز، ص ۱۱۵)

این تعارض و دوگانگی شعله تردید را در دل نوجوان بر می افروزد که نماز قربانی بی تردید آن است. اگر پس از هر نماز بلافصله نسبت به کودک و نوجوان محبت کنیم و با برخوردی عاطفی و مناسب، با او ارتباط برقرار کنیم؛ در ذهنیت او این گونه تصویر می شود که نماز محبت می آورد، آدم ها را مهربان می کند و به رفتارها روحی تازه می بخشد و همین کافی است که به نماز خوش بین شود. (یاسینی، سیری در آداب الصلوہ، ص ۶۰)

-تشویق خانواده به نماز

مسلم است که والدین گرامی به سرنوشت فرزندان خود علاقه مند هستند؛ بنابراین شایسته است که تلاش نمایند عزیزان خود را با نماز آشنا و همراه سازند. اگر می خواهید فرزنداتتان یادگاران شایسته ای برای شما باشند و مردم با دیدن آنها یاد خیری از شما نمایند؛ بچه ها را با نماز و

مسجد آشنا سازید، نگزارید عزیزانタン از مسجد و نماز فاصله بگیرند. بدیهی است در صورت ایجاد فاصله، شیطان‌ها به سراغ آنها می‌آیند و عزیزان شما، طعمه‌های خوبی برایشان خواهند بود. اگر واقعاً به تربیت فرزندانمان علاقه مند هستیم و مایلیم فرزندان صالحی داشته باشیم، بدانیم که این آرزو تحقق نخواهد پذیرفت مگر در مکتب نماز و مکتب یاد خدا. (نعمی آبادی، نماز زیباترین الگوی پرستش، ص ۵۱)

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش عمدۀ ای در برقراری ارتباط جوان با دین دارد. ستون فقرات دین مداری در خانواده شکل می‌گیرد؛ رفتار و گفتار اعضای خانواده موثرترین عامل گرایش جوانان به دین است. بیشتر جوانانی که دین خود را حفظ نموده اند، خانواده دین دار داشته اند؛ در حالی که برخی از جوانان دین گریز خانواده‌های دین گریز داشته اند.

متأسفانه در برخی خانواده‌ها بی توجهی به دین، به صورت یک عادت در آمده و در طول سال سخنی از مسائل دینی به میان نمی‌آید و انجام فرایض دینی دیده نمی‌شود. طبیعی است در چنین فضایی، بی‌اعتنایی دین عادت می‌شود؛ حتی این امداد در جامعه نیز ظهور می‌نماید. زیرا بسیاری از کارهای ناپسند، تا در خانواده به صورت عادت در نیاید، در اجتماع انجام نمی‌گیرد.

امام علی(علیه السلام) یکی از روش‌های تربیتی را عادت می‌داند و از آن به طبیعت دوم یاد می‌کند: «نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید و آخرت خود را آباد کنید و ستایش کنندگان ر افزایش دهید.» (تمیمی آمدی، غرر الحكم و درر الكلم، ج ۳، ص ۳۲۹) از این رو در اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقیه به فرائض در بزرگ سالی بر آنان دشوار نگردد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸)

استاد مطهری می‌گوید، این خود یک غفلت و اشتباه بزرگی است که امروزه در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله، بیش از اندازه انتظار داریم؛ در حقیقت از زبان اعجاز می‌

خواهیم. (مطهری، ده گفتار، ص ۶۷) ولی فرزندان ما بیشتر از آنکه به گفتار ما نظر افکنند، اعمال ما را زیر نظر می‌گیرند؛ که می‌گویند بچه‌های ما آنگونه می‌شوند که ما هستیم، نه آنگونه که می‌خواهیم. (مجله پیوند، ش ۲۴۴)

مدسه به عنوان خانه دوم می‌تواند پل ارتباطی بین جوان و دین باشد؛ زیرا جوانان بیشتر اوقات خود را در محیط مدرسه و در تماس و گفت و گو با مردمان می‌گذرانند. بدیهی است که گفتار و کردار آنان تأثیر بیشتری دارد.

متأسفانه امروزه در مراکز آموزشی، دو مقوله‌ی آموزش و پرورش از یکدیگر جدا شده و افراد خاصی خود را موظف به تربیت دینی نوجوانان و جوانان می‌دانند. از این رو در مدارسی که نماز جماعت اقامه می‌شود، در نماز خانه فقط مردمان پرورشی و معلمان دینی حضور می‌یابند و دیگر معلمان حضور ندارند یا حضور آنان کم رنگ است. آیا معلمان ریاضی، انگلیسی، ورزش، فارسی و... در قبال تربیت دینی دانش آموزان وظیفه‌ای ندارند؟

از سوی دیگر، متصدیان امور مدارس باید به تربیت دینی بیشتر توجه کنند. متأسفانه در مدارس ما به آموزش دین آنطور که باید بها داده نمی‌شود و مسئولان مدارس به تعلیمات دینی توجه ندارند. اگر از همان دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان، به مسائل دینی بیشتر توجه شود؛ فهنه‌گ دین مداری نهادینه می‌شود و جوانان به امور دینی اهمیت بیشتری می‌دهند.

-تشویق نزدیکان به نماز

در امر اقامه‌ی فریضه‌ی ارزشمند نماز، موضوع ترغیب و تشویق به نماز و توصیه به آن منحصر به فرزندان نمی‌گردد؛ بلکه کلیه افرادی را که به نحوی ارتباط نزدیکی با ما داشته یا از ما حرف شنوی دارند، شامل می‌شود و این روش و سیره پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) و پیشوایان معصوم(علیه السلام) بوده است. به عنوان نمونه چند مورد از روش اهل بیت(علیه السلام) را مذکور می‌



گردید.

امیر مومنان(علیه السلام) علاوه بر اینکه پیوسته فرزندان خویش را به نماز توصیه می فرمودند، تا همواره نماز را به عنوان یک مسأله حساس و مهم مورد توجه و عنایت خاص قرار دهند. هرگاه فردی را به عنوان استاندار به منطقه ای اعزام می نمودند، امر نماز را به عنوان محور اساسی کار او مطرح می ساختند؛ برای نمونه وقتی که امیر مومنان(علیه السلام) محمد بن ابی بکر را والی مصر می فرماید، در متن حکمی که برای او می نویسد و از او می خواهد که آن حکم را برای مردم بخواند و به مضامین آن هم خود عمل نماید و هم از دیگران بخواهد که به آن عمل نمایند: «در نمازت دقت نما، بین چگونه است «یعنی: ای استاندار من! فقط در اندیشه‌ی انبوهی از کارهای عمرانی و اقتصادی و امنیتی منطقه خود مباش، بلکه نمازت را هم مد نظر داشته باش.

امام کاظم(علیه السلام) به علی بن یقطین که از شیعیان او و وزیر هارون الرشید خلیفه مقتدر عباسی است، پس از این که از او می خواهد یاران و همکارانش را امر نماید که مراقب زبان های خود باشند و خصوصیت در دین را رها سازند و در عبادت خدا جهاد و تلاش کنند می فرمایند: «به یارانت بگو هنگامی که در پیشگاه خدا برای اقامه نماز واجب می ایستند، نمازشان را به خوبی به جای آورند و رکوع و سجودشان را کامل انجام دهند و مراقبت نمایند که هنگام نماز، قلبشان به امور دنیا متمايل و مشتاق نباشد.»

به هر حال نکته‌ی ارزنده و راه گشایی که روایات فوق به ما می آموزد این است که مسئولیت سفارش به نماز بر عهده‌ی فرد یا گروه خاصی نیست؛ یعنی هر کس در هر جایگاهی که قرار دارد، یکی از برنامه‌هاییش باید سفارش به نماز باشد و اگر توصیه و امر به نماز همه جا را فرا بگیرد و از همه جا به گوش برسد و مسئولان و مدیران محترم در مراکز علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها، مدارس و هر کس در هر جایگاه و موقعیتی که قرار دارد، در ایجاد جریان عمومی و فراگیر امر به نماز و توصیه‌ی به آن همکاری کند و این کار به ویژه از منازل شروع شده و به همه جا گسترش

یابد، آنگاه خواهیم دید که مشکلات جامعه، حتی مشکلات مادی آن حل می شود؛ زیرا مادیت جامعه با شکل گرفتن معنویت راحت تر قابل حل است. (امینی پور، دایره المعارف مختصر نماز،

(۱۱۶ ص)



نتیجه بحث

اهمیت مسأله نماز در اندیشه های دینی و اعتقادی، از سویی نقش جوانان در پیشبرد اهداف بلند مدت و آرمانی جامعه اسلامی، و از سویی دیگر سبب طرح پرسش ها و شباهاتی در این زمینه گردیده و ضرورت و روشنفکری بیشتر را نمایان ساخته است.

مقاله حاضر در ضمن توجه ویژه به مسأله نماز و نقش جوان در جامعه اسلامی، به سوالاتی که در مقدمه مطرح شده است به اختصار پاسخ داده است. از جمله اینکه جوانی مرحله ثبات شخصیت هر انسانی است و شخصیت انسانی به همان صورتی که در جوانی شکل می گیرد قوام یافته و تثبیت می گردد و از مهم ترین روش های جذب جوانان به نماز، ارائه الگوهای عملی در خانه و در جامعه و در نهایت معرفی صحیح سیره و گفتار معصومین (علیهم السلام) است. نماز جایگاه و نقش بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی هر فرد و خصوصاً نوجوان و جوان دارد.



منابع

*قرآن مجید، ناصر مکارم شیرازی، تهران، چاپ چهارم، دارالقرآن کریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) ۱۳۸۴.



۱. امیری پور، احمد، دایره المعارف مختصر نماز، مشهد، راز توکل، ۱۳۸۵.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، چاف، ۱۳۸۵.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، غورالحكم و دررالکم، ترجمه میرجلال الدین حسینی ارمومی، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۴. حر عاملی، محمدين حسن، وسائل الشیعه، بیروت، احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۵. خمینی، روح الله، آداب الصلوہ، تهران، موسسه نشر آثار امام، ۱۳۶۸.
۶. سعید تهرانی، جواد، فروع نیایش، تهران، نشر شارق، ۱۳۸۷.
۷. قمی، عباس، سفینه البحار، مترجم: هادی صلواتی، تهران، کتاب عقیق، ۱۳۹۲.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، روضه من الكافی، قم، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت(علیهم السلام) بی‌تا.
۹. مطهری، علی، ده گفتار، تهران، صدر، ۱۳۶۶.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بی‌جا، مکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۱۱. نعیم آبادی، غلامعلی، نماز زیباترین الگوی پرستش، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۲۳.
۱۲. نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متعدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۴.
۱۳. یاسینی، اکرم، سیری در آداب الصلوہ، تهران، عابد، ۱۳۸۰.